

## احکام غذا خوردن<sup>۱</sup>

بسم الله الرحمن الرحيم

### احکام غذا خوردن در اسلام چیست؟

به طور کلی، غذای حرام نباید خورد و بر سر سفره‌ای که مشروب در آن آورده باشند، نباید نشست. دربارهٔ آداب و کیفیت غذا خوردن احکام و اجبی نداریم، ولی سنت و آداب مستحبی وارد شده که به رعایت آن‌ها سفارش کرده‌اند؛ مثل شستن دست قبل و بعد از غذا؛ خوردن اندکی نمک قبل و بعد از غذا؛ سیر نشده بلند شدن از سر سفره و مانند آن‌ها<sup>۲</sup>...

### انکار و خروج از دین (ارتداد)

آیا هر کسی می‌تواند هر گونه سخن و نظر و سئوالی را دربارهٔ دین مطرح کند؟ کفر و رده گفتن جایز نیست؛ ولی اگر در مسأله‌ای از دین شکی به نظر انسان رسید، طرح آن به عنوان سؤال - نه رد و تکذیب کردن - اشکال ندارد. انکار و رد هم دو گونه است: یکی انکار صریح اصول و معتقدات دین است که باعث خروج از دین می‌شود. دیگر انکار احکام ضروری دین است که باز به همان حکم اول بازمی‌گردد. البته اگر کسی بگوید که من مثلاً حال نماز خواندن را ندارم یا فلسفهٔ نماز را نفهمیده‌ام، اشکالی ندارد. ولی انکار صریح احکام ضروری دین در واقع انکار اصل اعتقادی نبوت است. لذا انکارکنندهٔ احکام ضروری نیز از دین خارج شده است. اما در مسائل فرعی، مثل کیفیت

۱. این سخنرانی در مورخ ۱۳۴۳/۸/۵ ایراد شده است.

۲ دربارهٔ احکام غذا خوردن، محرمات و آداب آن؛ نکته الحر العاملی، وسائل الشیعه، بیروت، دارالاحیاء التراث العربی، ج ۱۶، کتاب الاطعمه والاشربة، ص ۳۰۹؛ ابواب آداب المائدة، ص ۴۰۵.

وضو گرفتن، انکار کردن موجب خروج از دین نمی‌شود؛ بلکه ممکن است از مذهب خارج شود. بنابراین، هر کس هر نظری که دارد به عنوان سؤال می‌تواند اظهار کند و طول و عرض سؤال همان حدودی است که گفته شد.

### حکم اسلام درباره غیبت و تهمت چیست؟

غیبت از محرمات اسلامی است. عرض و آبروی هر مسلمانی حرمت دارد و باید محترم شمرده شود. اما غیبت کسی که ظاهراً مسلمان است و متجاهر به فسق است، یعنی فقط گفتن همان گناهش، گناه نیست. تهمت آن است که به دروغ گناهی شرعی به کسی نسبت دهند. غیبت حد شرعی ندارد و فقط حرام شده است. در جامعه ایمانی، آبرو و حیثیت اشخاص محفوظ است، مگر اینکه کسی خودش تجاهر به فسق کند و آشکارا و در ملا عام مرتکب گناه شود. غیبت گوش دادن هم حرام است. قرآن می‌فرماید: ﴿وَلَا يَغْتَابَ بَعْضُكُمُ بَعْضًا أَيُحِبُّ أَحَدُكُمْ أَنْ يَأْكُلَ لَحْمَ أَخِيهِ مَيْتًا فَكَرِهْتُمُوهُ﴾<sup>۱</sup>. اما؛ چنان‌که گفتیم، در چند مورد استثنایی غیبت اشکالی ندارد. مثلاً کسی را نمی‌شناسید که خوب است یا بد و می‌خواهید با او وارد معامله‌ای شوید؛ اگر تحقیق کنید و کسی بگوید که مثلاً کلاهبردار است یا فلان عیب را دارد، غیبت او را نکرده است و اشکال ندارد؛ زیرا مصلحت زندگی مردم در آن است.

اما در تهمت، حکم اسلام آن است که اگر کسی کاری را که شرعاً جزو محرمات است و حد شرعی دارد به کسی نسبت بدهد ولی نتواند آن را ثابت کند، آن حد را باید بر تهمت‌زننده جاری کرد.

### علم حدیث، رجال و درایه

فرق خبر و حدیث و روایت چیست و چگونه می‌توان صحیح و ناصحیح آنها را تمیز داد؟

خبر آن است که سخن دیگری را نقل (به مضمون) کند. خبر مطلق و اعم از حدیث و روایت است. حدیث گفته تازه‌ای است که گوینده آن را از دیگری نشنیده است و روایت

۱. «و بعضی از شما غیبت بعضی نکند؛ آیا کسی از شما دوست دارد که گوشت برادر مرده‌اش را بخورد؟ از آن کراهت دارید». حجرات (۴۹)، ۱۲.

نقل سخن دیگری است. اخباری که مربوط به احکام و وظایف است، جاهل به آن‌ها کم بوده‌اند و علما هم درباره آن دقت زیاد کرده‌اند و با علم رجال و درایه<sup>۱</sup> بررسی شده است. اما اخبار مربوط به معارف و معتقدات، چون کمتر درباره آن‌ها بحث شده است و جاهل در آن‌ها هم زیاد است و هر گروه و فرقه‌ای به نفع خود احادیثی جعل کرده‌اند، مخصوصاً یهودیان، چنان‌که بسیاری از این روایات که در تفسیر قرآن و مسائل اعتقادی نقل می‌کنند جعلی است، در آن‌ها تخصص و خبرویت لازم است. پیامبر (ص) در آخر عمر پیش‌بینی کرد و فرمود هر گاه خبری از قول من شنیدید، به قرآن عرضه کنید، اگر موافق آن بود قبول کنید، و گرنه دور بیندازید.<sup>۲</sup> در اصول احکام فقط سنت قطعی و حتمی پیغمبر و روایات محکمی که در این باره وارد شده حجّت است. در معارف و اصول اعتقادات خیلی باید دقت کرد و تا همان حد که شرح و تفصیل قرآن است و نه بیشتر، باید پذیرفت. هر کسی هم ملزم نیست که در روایات تحقیق کند. تسامح در ادله سنن باید کرد؛ یعنی کارهای خوبی که در روایات سفارش شده خوب است انسان انجام دهد و این احتیاج به تحقیق و بررسی ندارد.<sup>۳</sup> اما آن مقدار از آن‌ها که مربوط به احکام است نباید همه درباره آن‌ها اظهار نظر کنند، بلکه آن‌ها را باید به اهل و متخصصش سپرد.

### کتابخانه آنلاین «طالقانی و زمانه ما»

۱. علم رجال و درایه هر دو در موضوع حدیث کاربرد دارند، اما علم رجال دربارهٔ راوی از جهت ضعف و ثاقت و ضبط حدیث بحث می‌کند ولی علم درایت پیرامون خود حدیث، متن آن و به بحث از اقسام آن می‌پردازد.
۲. الفهر العاملی، وسائل الشیعه، همان، ج ۱۸، ابواب صفات القاضی، باب ۹، حدیث ۱۰، ۲۹، ۳۵، ۳۷؛ الطبرسی، تفسیر مجمع البیان، همان، ج ۱، المقدمه، الفن الثالث، ص ۸۱.
۳. دربارهٔ روایات «تسامح در ادله سنن» و «اخبار من بلغ» نکه الکلبینی، کافی، همان، ج ۲، باب من بلغه ثواب من الله من عمل، ص ۸۷، حدیث ۲-۱؛ محمدبن خالد البرقی، المحاسن، اسلامیة، قم، ج ۱، ص ۲۵، حدیث ۱-۲.